

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

برگردان از: احمد مزارعی

۱۳ نومبر ۲۰۱۲

بمناسبت بزرگداشت انقلاب اکبر

۱

سوسیالیسم، آزمایشی بسیار سخت و پیروزی عظیم

بمناسبت شصت و پنجمین سال پیروزی برفاشیسم هتلمری ۱۹۴۵ - ۲۰۱۰

نوشته: دکتر نجم دلیمی، ترجمه: احمد مزارعی

مقدمه

روز نهم ماه می سال ۲۰۱۰، مصارف است با شصت و پنجمین سال پیروزی برفاشیسم آلمان، بدیناسبت ملت‌ها صلح و دوستی جهان در پیشاپیش آنها اخلاب و سازمان‌ها ملی، مترقی و کمونیست، برای این پیروزی بزرگی که ملت بزرگ اتحاد شوروی سوسیالیستی، بر هبری یوسف استالین، برست آورد و توانست بزرگترین شکست را بر آلمان نازی و درکنام خود، تحمیل کند، ملت‌های جهان با این شکست از خطر فاشیسم، این طاعون مولود نظام سرمایه داری، رهائی یافتند.

۱- اهداف نامشروع

ملل شوروی سوسیالیستی، در سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۵، به جنگ عادلانه برخاست و طی آن مین خود را از وجود نیروهای تجاوزگر آلمان یاک ساخت، این جنگ رخورد ماهیتی ایدئولوژیک داشت و بهانه آزمایشی و جنگ غیظی بود که میان سوسیالیسم و سرمایه داری برافه افتاده بود. هر جنگی رخورد ماهیتی ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی دارد، غیر ممکن است جنگها را خارج از محدوده عناصر مذکور که بسیار است نهند، در نظر گرفت. جوهر اصلی نظریات هتلمر، تسلط بر کل اروپا، از میان بردن

اتحاد شوروی سوسیالیستی، گسترده کردن سلطه آلمان بر آمریکا، آسیا و آفریقا، سپس برقراری
امپراتوری بلا منازع رایشناک سوم، و غارت همه ثروتها و منابع آنان، در جهت برقراری حکومت
جهانی آلمان.

قرن بیستم را میتوان یکی از خونبارترین مرحله در تاریخ نظام سرمایه داری دانست، در این مرحله سه جنگ
بزرگ جهانی اتفاق افتاد که همگی دارای ماهیت، ایدئولوژیک و اقتصادی داشتند، جنگ جهانی اول
(۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) که ده میلیون کشته و بیست میلیون زخمی و از کار افتاده داشت و مخارج جنگ ۳۸۸

میلیار دلار بود.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۸ - ۱۹۴۵)، تعداد انبیا قربانیان سده ۵۰ - ۵۵ میلیون کشته، مجروحان،
از کار افتادگان، نازیک به یکصد میلیون شخص و مخارج جنگ چهار تریلیون دلار برآورد شده است. اما جنگ
جهانی موسوم به جنگ سرد که از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۹۱، بطول انجامید، ۱۳ تا ۱۵ تریلیون دلار
برای تسلیت هزینه در بر داشت.

علت جنگ جهانی دوم، بحران اقتصادی، اجتماعی و فکری بود که جهان سرمایه داری، بویژه آمریکا را فرا گرفت
و با کاهش یافتن تولیدات صنعتی، ابتدا در آمریکا در سال ۱۹۳۲ به نسبت ۴٪، در قیاس با سال ۱۹۲۹،
همچنین کاهش تولیدات صنعتی در کشور فرانسه و انگلستان به نسبت ۸۱ و ۸۸ درصد برتیب و
نسبت بیکاران در کشورهای صنعتی سرمایه داری به ۳۰ میلیون رسید که ۱۸ میلیون آنان در آمریکا بودند.

(۲)

در تاریخ سی ام مارچ ۱۹۴۱، هتلر روی این امر تأکید کرد که: "مهمترین وظیفه ما در قبال روسیه ناپودی
نیروهای نظامی آن و از میان بردن دولت این کشور است." جوهر برنامه "OST"، آلمان عبارت بود از:
"تضعیف ملت روسیه، آنگونه که پس از آن نتواند روی پای خود بایستد و سپس تسلط کامل آلمان بر اروپا"
هدف اصلی هتلر در جنگ ناعادلانه خود بر ضد ملت روسیه، ریشه کن کردن کمونیسم و از میان برداشتن
حکومت سوسیالیستی، جنگ انداختن بر ثروتها و ملی این کشور، هم چنین اشغال کشورهای نفتی خلیج فارس
و برقراری نظم نوینی جهانی بر اساس ایدئولوژی نازیسم.

روز ۲۲ جون سال ۱۹۴۱، تهاجم نازیسم آلمان بر علیه روسیه آغاز گشت، قبل از آن استالین طی
بیانی به ارتش سرخ و ملت روسیه، از همگان خواسته بود که برای زمام از زمین سوسیالیستی آماده باشند.
هتلر و جنرالها پیش چنین برنامه ریزی کرده بودند که در عرض ۳ تا ۴ ماه خواهند توانست روسیه را
شکست دهند، برای این منظور ماه جون را انتخاب کرده تا بتوانند در ماه اکتبر جنگ بی پایان برده و
در چار سرمایه سخت روسیه بنگرند، پس از آن هتلر بر این اعتقاد بود که حتی خواهد توانست رهبری جهان را بدست گیرد.

جنگ جهانی دوم بزرگترین روبرو دو قطب جهانی بود، صنعت دولت و چهارم جمعیت کره زمین روان شرکت داشتند، این جنگ در چهل کشور جهان پیش برده میشد و یکصد و ده میلیون نفر زیر پوشش سلاح بوده و مشغول عملیات جنگی بودند. در آستانه پایان جنگ جهانی دوم، نیروهای مسلح جهانی شامل پنج میلیون نظامی، ۳۶۰ هزار دستگاه توپ، ۵۰۰۰۰ تانک و ۱۲۰۰۰۰ هواپیما نظامی میشد.

توانا اقتصاد سوسیالیستی، اساس پیروزی در جنگ

لنین میگوید: ما باید نمونه ای سوسیالیستی بنا کنیم که در زمینه ساختارهای اقتصادی خود بطور زنده و فعال عمل کرده و در عرصه رقابت نماند، سرمایه سوسیالیستی روسیه باید بتواند در برابر برترها جهات نظامی نمونه ای مثال زدنی باشد و بتواند در برابر آنها جهات گسترده دشمنان جهانی خود را بدرستی ایستادگی کند.

پرفسور فادیم زگلادین میگوید: برای پیشبرد امر توسعه اقتصادی و اجتماعی شوروی سوسیالیستی، چهار مرحله رودستور کار قرار داشت که بدین قرار بودند:

مرحله اول: این مرحله شامل دوره بعد از انقلاب سوسیالیستی یعنی از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۹ در این دوره انقلاب سوسیالیستی توانست ثابت کند که میتواند بر روی پای خود بایستد، طبقه کارگر وظیفه داشت که ثابت کند که میتواند برنامه تولید را بدون دخالت سرمایه داران به پیش ببرد و در سطح بسیار گسترده دولتی مدیریت کرده و برنامه ریزی موفقیت آمیز کند، طبقه کارگر توانست این مرحله را با موفقیت با انجام رساند که خود بزرگترین پیروزی سوسیالیستی که حساب میآید و از این نظر اهمیت تاریخی و چهارم داشت.

مرحله دوم: این مرحله شامل سالهای سی و چهل میباشد و در این دوره دولت سوسیالیستی توانست توانائی خود را برای مرحله صنعتی کردن کشور بدرستی بمنصه ظهور رساند، رشد صنعت و پیشرفتها عظیم اقتصادی، پایه اصلی آزادی و غم چنین شکست فاسق خود دلیل بسیار روشنی بر این موفقیتها که حساب میآید، ملت روسیه در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵، توانست در جنگ جهانی و ضد فاشیستی شرکت کند و با موفقیت چشمگیری این مرحله را به پایان ببرد.

مرحله سوم: این مرحله از اواسط سالهای چهل تا اواسط سالهای شصت، بطول انجامید (۱۹۴۵-۱۹۶۵) خصوصیت این مرحله رقابت بسیار شدید با کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بویژه در زمینه تولیدات صنعتی است، دولت شوروی سوسیالیستی تبدیل به کشوری بزرگ و صنعتی گردیده است، سوسیالیسم توانا خود را در زمینه تولید به درجه بسیار بالاتر نشان داده است. اقتصاد دوران انگلیسی در این دوره چنین اظهار میدارد که: «روسیه متطور دولت شوروی سوسیالیستی در وضعیت رشد اقتصاد سریع بسر میرود، اف لیندسی».

مرحله چهارم : این دوره از سال ۱۹۶۶ تا اواسط سالها هشتاد و نهمین گذشته ادامه یافت، ویژگی این مرحله در جنبش است، انقلاب علمی و تکنیکی که تغییرات بنیادین در اقتصاد روسیه بوجود آورد، در این دوره است که لیزری و بگترنگی بکار گرفته شد، ویژگی دوم سابقه میان دو قدرت بزرگ سوسیالیستی و سرمایه داری در سطح تازه ای بود.

دستاورد بزرگ سالها ۱۹۲۲ - ۱۹۴۵

تجسم قدرت سوسیالیسم، در قدرت اراده سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم حاکم است، رهبری شوراهای در این دوره در برابر آزادی بی بسیار سخت، بزرگ و دردناک قرار داشت، پامیلیست در عملیات ساختار اقتصادی، اجتماعی، و نظامی سوسیالیستی و بخاطر حفظ و بقای سوسیالیسم بایداری میکرد و یا اینکه نظام تازه نابود میشد، در ادامه اراده سیاسی در میدانهای مختلف، بویژه در میدان اقتصادی و نظامی بروز گردید، در نتیجه این عظیم ترین پیروزی تاریخی بزرگترین دشمن ایدئولوژیک که تا آن زمان تاریخ سبوت بخود داده بود، یعنی فاشیسم آلمان برهبری هتلر، که محصول نظام سرمایه داری بود، حاصل گردید.

مهمترین دستاوردهای میتوان چنین برشمرد :

- ۱- در این دوره ۹۰۰۰ مؤسسه بزرگ صنعتی ساخته شد و تولید وسائل که صنایع مادر را تولید میکرد ۱۳۰۴ نسبت به سال ۱۹۱۳، افزایش یافت. توسعه متالورژی و صنایع ماشین آلات دقیق در اتحاد شوروی، در سال ۱۹۴۰، نسبت به سال ۱۹۲۰، ۳۸ بار افزایش یافت، در همین دوره تولید ماشینهای انجین سازی و ماشینهای ویژه کار در معادن ۵۱۲ بار افزایش یافت.
- ۲- در سالها ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ بوجه نظامی، از ۲۳ میلیارد روبل به ۵۷ میلیارد روبل افزایش یافت، این مبلغ ۳۲.۶٪ کل بوجه دولت را تشکیل میداد.
- ۳- حجم تولید صنعتی در اتحاد شوروی سال ۱۹۳۷، رتبه یکم در اروپا و رتبه دوم در دنیا بود، هلم چنین در همین سال تولید ماشینهای حمل و نقل (باری) رتبه یکم در اروپا و دوم در جهان بخود اختصاص داد.
- ۴- در خلال ماه جون تا دسامبر ۱۹۴۱، تعداد ۲۵۹۳ مؤسسه صنعتی، برای مثال کارخانه هواپیما سازی، توپخانه، تولید ذخیره، به مناطق امن انتقال داده شد. در این زمینه نویسنده انگلیسی، "آکسفا نور ویرت" چنین نوشت: «باید گفت که تخلیه کارخانه بزرگ صنایع نظامی روسیه، در نیمه دوم سال ۱۹۴۱، تا اوایل سال ۱۹۴۲، یکی از دستاوردهای بسیار عظیم و حیرت انگیز است و منظم اتحاد شوروی در سالهای جنگ است». در دوره جنگ ملی و کبیر مینسکی، ۳۵۰۰ مؤسسه نوین صنعتی ایجاد شد، ۷۵۰۰ مرکز بزرگ صنعتی نیز که در مناطق جنگی متوسط نازها منهدم شده بود، باز سازی گردید، در مجموع جنگ کبیر مینسکی تعداد ۶۷ میلیون واکسن قطار ساخته شد، در سال ۱۹۴۲، تعداد ۱۲۰۰ کارخانه صنعتی از آلمان به سیربی منتقل گردید و منطقه "اورال" تبدیل به ستون فقرات دفاعی اتحاد شوروی تبدیل شد. با سرعت بسیار زیادی منطقه

اورال تا ۴۰٪ نیاز مندیهای میدانهای نبرد با فاشیسم را تأمین میکرد، در این دوره ۶۰٪ تانکهای سبک و ۱۰۰٪ تانکهای سنگین چیده می‌شدند و در اورال تولید میشدند.

۵ - دولت آلمان نازی در سال ۱۹۴۲، چون راه بارشتر از اتحاد شوروی تولید میکرد و تولید فولاد آنها ۶۰ برابر، اتحادیه شوروی بود، اما در همین سال صنایع هواپیماسازی شوروی ۱/۹ برابر بیشتر هواپیمای تولید میکرد، هم چنین صنایع تانک سازی و توپ سازی ۳/۱، بارشتر تولید داشت، رزمیه سایر تولیدات نظامی، بترتیب، مسلسل و تفنگ، ۳ برابر، صنایع توپ رگباری ۶/۵، در همین دوره افراد ارتش سرخ از ۵۳۷۳۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۹، به ۱۱۵۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۴۵ افزایش یافت، دولت شوروی سوسیالیستی، توانست در سال ۱۹۴۲، چهارده نوع هواپیمای جنگی تولید کند و متوسط تولید هواپیمای در هر ماه ۲۲۶۰، هواپیمای جنگی بود و دولت در این سال ۲۱۷۰۰ هواپیمای جنگی را اختیار داشت، در سال ۱۹۴۳، نیروی هوایی دولت شوروی سوسیالیستی توانست تسلط کامل خود را بر آسمان مین سوسیالیستی و سرسرا آلمان برقرار کند، در خلال سالها ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴، دولت توانست تولید سالانه تانک را ماهانه به ۲۰۰۰ عدد برساند.

۶ - بنا به اظهار جنرال بوریس گولیشف، در سال ۱۹۴۲، کل تولید صنعتی نسبت به مصرف خود در سال ۱۹۱۳، به ۸ برابر رسید، در طی سیزده سال قبل از شروع جنگ جهانی دوم، ۴۸۲ شهر و ۹۰۰۰ کارگاه و کارخانه تولید آماده شد، روسیه سوسیالیستی، در این دوره از نظر تولید گندم مرتبه اول و از نظر تولید دام شامل گاو و گوسفند مرتبه دوم را در جهان بخود اختصاص داد، هم چنین تعداد دانشجویان شوروی سوسیالیستی در رشته های مختلف بیش از مجموع دانشجویان کشورهای آلمان، ایتالیا، انگلستان، فرانسه و ژاپن بود.

۷ - هم چنین اولگ شینین، سکرتر عمومي حزب کمونیست شوروی سوسیالیستی چنین توضیح میدهد، تولیدات صنعتی در خلال سالها ۱۹۲۲ - ۱۹۸۲، ۵۰۰ بار در روسیه شوروی، ۷۳۰ بار در آلمان، ۲۸۶ بار در بلاروس، ۱۴۵ بار در آذربایجان، ۴۳۲ بار در اوزبکستان، ۹۶۹ بار در مولداوی، ۹۳۸ بار در قزاقستان، ۷۱۲ بار در قرقیزستان، ۹۰۰ بار در تاجیکستان، ۱۰۸۴ بار در ارمنستان، ۳۰۵ بار در گرجستان و ۲۰۹ بار در ترکمنستان، افزایش یافت.

سوم: جنگهای تعیین کننده، نمونه ای از قهرمانی

عقد جنگ ناچارانه خود را در تاریخ ۲۲/۶/۱۹۴۱، بر علیه روسیه شوروی آغاز کرد، ارتش آلمان نازی، در آغاز تهاجم خود، کسب و نمود گردان نظامی با ۵۰۵، میلیون نظامی، ۴۰۰۰ تانک، ۵۰۰۰ هواپیمای جنگی، ۲۰۰ فروند کشتی جنگی، ۴۸ هزار عدد توپ، وارد میدان کارزار نمود. در مقابل فرماندهی ارتش سرخ

نیز اقدام به بازگردن ۸۳ جبه جنگ برای زفاع از زمین سوریا لیتی نمود ، برای سال ۱۹۴۱ ، هغهزه
جبهه ، ۱۹۴۲ ، سه ورو جبهه ، ۱۹۴۴ ، یا نثره جبهه و رسال ۱۹۴۵ نیز ، یا نثره جبهه بر علیه ارتش
نازی به تهاجم پراخت .

یکم : جنگ استالینگراد : میتوان گفت این جنگ یکی از قویترین و سرشخا نه ترین نبردی بود که میان ارتش سرخ
و ارتش نازیها اتفاق افتاد ، طرفین درگیر ، بیش از روطیون نفر جنگجو وارد میدان کردند ، نبرد استالینگراد ، ۲۰۰
روز نبرازا کشیده شد ، تجا دژکاران نازی بیش از یکصد هزار تن بپ بر سر مردم فرو پاریدند و بیش از یکمیلیون و چهارصد هزار
گلوله توپ و نارنجک بر علیه شهر استفاده شد . ارتش نازی در این معرکه یکمیلیون و یا نصد هزار نفر سرباز و در پرتار و
اسرا ز دست راد ، در مقابل ارتش سرخ ۴۷۸۷۴۹ کشته و ۶۵۰۸۷۰ نفر مجروح راست .
دوم : لنینگراد : با شروع جنگ ارتش هتلمری ، شهر لنینگراد را محبت ۹۰۰ روز بمباره در آورد . مقاومت مردم شهر
بسیار عالی و ستونذی بود ، فرماندهی شوروی توانست ۵۰۰۰۰۰ نفر را برای زفاع از شهر و از خود مردم شهر آماده سازد ،
سمید هزار نفر نیز را طلب به کمک شهر شنا فتند ، ره گردان مسلح تشکیل گردید که فکر کردم شامل یکصد و پنجاه هزار نفر
میشد ، نسبت اعضای کمونیت و حزبانان عضو کومسومول ، مابین ۷۰ - ۹۰٪ بودند ، ارتش نازی در این نبرد
بیش از ۱۰۰۰۰۰ ، بمب آتشزا و سدیدالانفجار ، ۱۵۰۰۰۰ عدد گلوله توپ ، آما در مابان شهر
لنینگراد از وجود نازیها پاک گردید .

سوم : جنگ موسکو : ستاد فرماندهی آلمان نازی برای تسلط بر موسکو ، تعداد ۳۰۰ فرزند از مدترین بمب -
افکنهای خود همراه با افسران خلبان که نجر به فراوانی در بمباران شهرها را استند ، بکار گرفت ، این خلبانان
قبل از این در بمباران شهری انگلستان ، فرانسه ، یوگوسلاوی ، یونان و لهستان شرکت کرده بودند ، از روز
۲۲ / ۷ / ۱۹۴۱ ، تا تاریخ ۱ / ۹ / ۱۹۴۲ ، شهر موسکو بطور ۲۴ ساعته بمباران میشد و تعداد
۸۵۹۵ هواپیما ی جنگی در آن شرکت راستند .

پس از بمبارانها و حشتناک ، در تاریخ ۱۲ / ۵ / ۱۹۴۱ ، ارتش فاسیتی آلمان نازی تهاجم خود را
برای اشغال شهر موسکو آغاز کرد ، آما به دو علت بزنامه جنرالها ارتش نازی با شکست رو برو گردید و نتوانست
بر اهداف خود دست یابد . علت اصلی شکست نازیها ، مقاومت قهرمانانه ملت روسیه شوروی بود و
هلم چنین جنگ سرشخا نه ارتش سرخ و نیروی را و طلب شهر موسکو . این مقاومتها نتوانست زیبا نهایی
عظیمی را بر دشمن فاسیتی تحمیل کند ، کشته شدن ۸۰۰۰۰۰ سرباز و افسر نازی ، اسیر شدن ۹۱۰۰۰ ،
نظا نازی آلمان ، که در میان ۲۴ جنرال وجود داشتند که یک فیلد مارشال نیز در میانها بود ، ارتش آلمان نازی
در این جنگ ۸۴٪ از جنگ افزارهای خود را نیز از دست راد .

چهارم: نقش جنبشهای توده‌ای در امر پیروزی بر فاشیسم هیتلری

فرماندهی سیاه و نظام شوروی، برای پاک‌سازی کورد از تجاوزکاران آلمان، اقدام به تشکیل پنج جبهه جنگی نمود. این جبهه عبارت بود از: جبهه ارتش سرخ، جبهه شبه نظامیان توده‌ای (نیروهای مدنی) جبهه جنبش یاوران توده‌ای، جبهه نیروهای مبارزه محلی که وظیفه اساسی آنان عبارت بود از جمع‌آوری اطلاعات سیاه، اقتصاد ری و نظامی، از تجاوزکاران نازی و تحریک و تسلیح مردم بر ضد آنان و جبهه کار توده‌ای، یعنی سرودنانی که در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها مشغول بکارند و به کارکنان و رزوی می‌پردازند و از این طریق به ارتش سرخ و ملت شوروی بوسیله غذا و اسلحه کمک می‌رسانند.

به روحیه جنبش یاوران و جبهه نیروهای مبارزه محلی، چهارمیلیون نفر پیوستند و تشکیل ۶۰ گردان و ۲۰۰ فوج دادند، هم‌اینکه در ادامه به نیروهای ارتش سرخ پیوسته و در آزارسازی شهرهای استالینگراد و لیننگراد و هم چنین دفاع از شهر موسکو، نقش بسیار مهمی ایفا کردند.

از مهمترین دستاوردهای جبهه جنبش یاوران، این بود که ۶۲۰۰ گروه جنگجو تشکیل داده و تعدادشان به یکمیلیون نفر رسید، این موفق شدن ضربات سختی از نظر ماری و معنوی بر تجاوزکاران نازی وارد آورد، برای مثال: زخمی کردن و باسارت در آوردن صد ها هزار نفر از سربازان و افسران و کارمندان اداری نیروهای اشغالگر آلمان، منهدم کردن بیش از ۴۵۳۸۸ تانک و نفرسیر، تلافی کردن ۲۰۰۰۰ ماشین حمل و نقل سربازان، سنگون کردن، ۱۱۰۰ هواپیما جنگی، منهدم کردن ۵۰۰۰۰ توپ و تفنگ از انواع مختلف آن، منهدم کردن و سوزاندن بیش از ۲۹۰۰ انبار بزرگ ارتش نازی، تلافی کردن ۱۷۰۰۰ واگن و ده هزار لکوموتیو و ۱۲۰۰ پل، هم چنین، جبهه جنبش یاوران شوروی، ۲۱۰۰۰ انفجاری در مسیر قطار که بوجود آورده و ۱۲۰ قطار را منهدم کردند، هم‌اینکه در ادامه ۲۰۰۰ پل متعلق به عبور قطار را منهدم کردند، ۲۵۰ مرکز ارتباطی میان خطوط راه آهن را نیز تخریب کرده و بیش از ۶۵۰۰۰ ماشین معمولی مورد استفاده نیروهای نازی را نابود و بنفع تشکیلات مصداق کرده کردند.

زیانهای وارده به ارتش تجاوزکاران نازیها، بوسیله جبهه جنبش یاوران بیش از ۱۰۱۵۰۰۰۰۰ خسارت سرباز کشته در برداشت، جنبش یاوران همراه با تشکیلات محلی آنها گنگ با آن، نمونه‌ای بسیار برجسته از مین روستی سوسیالیستی را در دوره جنگ ارائه داد، آنان در طول دوره فعالیت‌های بسیار مدیوم خود نشان دادند که خردگناران جنبش کمونیستی همین هستند، این جنبش در عین حال در درون خود، اعضای قزاق از همه ملیت‌های اتحاد شوروی سوسیالیستی داشت، در عین حال در رأس هر گروه از تشکیلات یاوران، یک عضو حزب بلشویک و یک کارگر برجسته قرار داشت، همین دلیل و به دلیل عملکردها بسیار ارزنده تشکیلات یاوران و گروه‌ها محلی کارها، با آنان، فرماندهی ارتش نازیها، آنان را بعنوان دشمن شماره یک خودشان معرفی کرده بودند.

نازیا برساند. بهین ریل تولیدات نظامی در سالهای ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴، به نسبت ۱۴۰، ۱۸۶، ۲۲۴ و ۲۵۱ درصد، نسبت به سال ۱۹۴۰، افزایش یافت. از طرفی کل تولیدات صنعتی کشور نیز به نسبت ۹۸، ۷۷، ۹۰، و ۱۰۳ درصد به نسبت سالهای مشابه افزایش پیدا کرد. رهبری حزب بلشویک به مسئله تولیدات کت و زری نیز اهمیت ویژه ای را در درجهت توسعه و پیشرفت رسیده تولیدات محصولات کت و زری برای تأمین غذای ملت روسیه شوروی و ارتش سرخ اقداماتی بعمل آورد و در این زمینه کلخوزها (مزرعه های تعاونی) و سوخوزها (مزرعه های دولتی) نقش مهمی را ایفا کردند.

در ابتدای شروع جنگ تعداد اعضای حزب کمونیست ارتش سرخ ۳۶۰۰۰۰ نفر بودند، یعنی به نسبت ۱۵٪ کل افراد نیروهای مسلح روسیه شوروی، در ماه دسامبر سال ۱۹۴۱، این رقم به ۱،۷۲۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. از ماه جون تا دسامبر سال ۱۹۴۱، بیش از ۵۰۰،۰۰۰ نفر کمونیست نظامی به شهادت رسید. در طول دوره جنگ بزرگ میهنی تعداد اعضای کمونیست ارتش سرخ به هشت میلیون نفر رسید و در سراسر دوره جنگ سه میلیون نفر از کمونیستهای ارتش سرخ به شهادت رسیدند.

رهبری حزب کمونیست شوروی کوشش کرد تا ۶۰٪ از اعضا و کارکنان حزب روسی در رأس فرماندهی جنگ قرار بگیرند، از اینان ۵۴ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب بلشویک بودند، ۱۶ نفر از اینان در گذشته در صنایع نظامی کار کرده بودند. در نیمه اول سال ۱۹۴۱، ۸۸۰۰۰ کارکن کمونیست به ارتش سرخ پیوست، این رقم سپس به ۲۰۰،۰۰۰ و چندین پس از آن به ۸۰۰،۰۰۰ نفر افزایش یافت. در اقدام دیگری حزب کمونیست شوروی، ۵۶۵ نفر سکرتر کمیته های حزبی، ۱۰۴ نفر از سکرترهای کومسومولها و ۲۰۴ نفر از رؤسای مجلس نمایندگان مردم را برای رهبری مبارزات توده ای گسیل داشت. در همین دوره ۱۴۵۰۰۰ کومسومولس تشکیل یافت که تعداد آنان ۱۰۰۰۰۰۰ نفر از کارگران جوان بودند و هگلی در کارخانه های و کارگاه های صنعتی بجا ر مستقر بودند. از ماه اپریل سال ۱۹۴۲ تا اپریل سال ۱۹۴۴، تولیدات را به نسبت ۴۰٪ افزایش دادند و شهر فونلان شوروی در خلال جنگ بزرگ میهنی مبلغ یازده میلیارد و هشتصد و دوازده میلیون روبل به جهت کمک کردند از طرفی رهبری حزب کمونیست شوروی کوشید بودجه کمک به جهت های جنگ را افزایش دهد، بهین منظور در سال ۱۹۴۳، ۶۰٪ بودجه عمومی دولت به جنگ بزرگ میهنی اختصاص داده شد.

نقش زنان شوروی در جریان جنگ

زنان در روسیه شوروی حضور بسیار زنده و فعالی در راه رها میهن بزرگ سوسیالیستی ایفا کردند، بطوریکه تعداد زنان جنگجو در تاریخ ۱/۱/۱۹۴۲، به ۸۶۸۳۱ نفر بالغ میشد، این رقم در تاریخ ۱/۱/۱۹۴۳ به ۱۶۳۱۷۳ نفر افزایش یافت، سپس برتیب در سالهای ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، به ۱۷۴۵۵۱ نفر و ۲۰۲۴۱۹ نفر افزایش یافت.

در جریان جنگ بزرگ میهنی حدود نه میلیون نفر از اعضای حزب در جنگ شرکت کردند، در همین دوره اعضای کومسومولها به روزه میلیون نفر رسید که پنج میلیون نفر از آنها در ارتش سرخ شرکت داشتند، ۶۵٪ از کومسیتها و ۱۳٪ از اعضای کومسومولها به دریافت مدال قهرمان اتحاد شوروی سوسیالیستی دست یافتند.

ششم: پیراخت بهای جنگ

استالین در این مورد چنین میگوید: «ما وارد جنگی میهنی، آزادبخش و عادلانه شدیم. این جنگ کبیر میهنی مهابه بزرگترین آزمایش نظامی، اقتصادی و سیاسی، برای حزب کمونیست شوروی، ملت شوروی و ارتش سرخ حساب میآید. میربیروزی بر آلمان نازی بسیار طولانی، سخت و خسته کننده بود». ویژگی و برتری استراتژی شوروی در زمینه دفاع و هجوم بسیار درست و تعیین کننده بود، دلیل این درستی، به شکست کندن و اسیر کردن ۶۰۷ گردان و ۵۰۷ تیپ ارتش آلمان بدست ارتش سرخ بود.

ملت روسیه شوروی، در این جنگ عادلانه خود بر علیه آلمان فاشیست، مابین ۲۷ - ۳۰ میلیون شخص را از دست داد. اما زیانهای دیگر کشور، برتیب، ایتالیا ۳۲۰۰۰۰ نفر، آمریکا - ۳۲۵۰۰۰ نفر، چک و اسلواک ۳۶۴۰۰۰ نفر، فرانسه ۴۰۰۰۰۰ نفر، یوگوسلاوی ۱۶۰۰۰۰۰ نفر، ژاپن ۲۰۰۰۰۰۰ نفر، لهستان ۶۱۰۰۰۰۰ نفر و چین توره ای ۱۰۱۰۰۰۰۰ نفر، تطامی و مدنی از دست دادند.

در مورد زیانهای کشور آلمان، در مجموع گفته اند ۱۳۱۰۰۰۰۰ نفر بودند که ۱۰۷۰۰۰۰۰ نفر آنان را، افسر و سربازان تشکیل میدادند. تعداد اسیران آلمان نازی در دست ارتش سرخ ۳۱۵۰۰۰۰ نفر بودند. هم چنین ارتش سرخ توانست ۷۵٪ تاکلهای آلمان، ۷۰٪ نیروی هوایی، ۷۴٪ توپخانه و ۲۵۰۰ ناو و ناوچه جنگی آلمان را از میان ببرد.

یکی از جزئیات ارتش سرخ بنام آ.گ. فومین، که عملاً در جنگ شرکت داشته است، در مورد زیانهای ارتش سرخ چنین بر می شمارد، تعداد کشته های ارتش سرخ ۸۱۶۸۸۴۰۰ نفر مابین افسر و سرباز، تعداد اسیران نظامی شوروی بدست نازیها، ۱۷۴۴۴۱۰۰ نفر و تعداد مفقودین مابین سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، در مجموع ۹۳۹۷۰۰ نفر بوده است.

تعداد غیرنظامیان روسیه مابین ۴ - ۵، میلیون نفر در دست نازیها اسیر شدند که آنها را به داخل آلمان نازی انتقال دادند، نازیها هم چنین اقدام به نابود کردن ۳۲۰۰ مؤسسه صنعتی، تخریب ۶۵۰۰۰ کیلومتر ریل راه آهن، ۳۶۰۰۰ دفتر و مرکز کارکمی پستی، انهدام ۴۰۰۰۰ بیمارستان، تخریب ۱۷۱۰ شهر شوروی، سوزاندن ۷۰۰۰۰ روستای شوروی، نمودند. بیش از ۶۱۰۰۰۰۰۰

ساختمان مسکونی و بسیاری خرابیهای دیگر نیز که در زمین سوراها باعث شدند. خلاصه:

در پایان باید گفت، دستاوردهای ملت شوروی و حزب کمونیست بر رهبری استالین، در جنگ بزرگ میهنی و عادلانه خود معجزه و پیروزی تاریخی عظیمی نه فقط برای ملت شوروی، بلکه این پیروزی برای غم‌ملتهای جهان بود که خواستار صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میباشند، این پیروزی در عین حال آزمایش بسیار بزرگی بود، و دستاوردی بیمانند در تاریخ نوین، یعنی پیروزی سوسیالیسم بر فاشیسم آلمانی، که خود زائیده نظام سرمایه‌داری جهانی بود.

اما باید گفت که مهم‌ترین عوامل این پیروزی را باید در روابط صادقانه‌ای دید که میان ملل اتحاد شوروی سوسیالیستی و خوددانشت و ایگان عظیمی که این ملل به سیستم سوسیالیستی عادلانه و وحدت‌ملتی، و وحدت حزب، و وحدت فرماندهی نظامی خود داشتند که بمعنی وحدت ملت، حزب و فرماندهی نظامی بود.

استالین در سال ۱۹۴۶، نتایج جنگ را بدین شکل بیان داشت: «معنی این پیروزی اینست که سیستم اجتماعی شوروی یا یعنی سوسیالیسم پیروز شده است، و بزبان دیگر، نظام سوسیالیستی ما توانست از کوران جنگ و سختیهای فراوان سر بلند بیرون آید و ثابت کرد که این نظام توانای ادامه حیات را دارد».